



توراه اور • پاراشاها ویצא • مامار 2

ביאור על הנ"ל

شرح مطالب پیش گفته



تقديم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربه، رب لیوی ییتسחק

LikuteiTorah.com

پاراشای حسیدی



[/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/vayeitzei/2](https://likuteitorah.com/fa/torah-ohr/vayeitzei/2)

1 ביאור על הנ"ל

شرحي بر مطالب پيش گفته

2 והיה הוי"ה לי לאלקים והאבן הזאת אשר שמתי מצבה יהיה בית אלקים. להבין ענין תפלה ובקשה זו

שהוי"ה יהי' [יהיה] בבחי' אלקים והאבן בבחי' בית אלקים.

«و نام چهارحرفی (ה', Havayah) برای من همچون نام **אלקים** (אלקים, Elokim) خواهد بود، و این سنگی که آن را چون ستونی برپا کرده‌ام، خانه **אלקים** خواهد شد.» [باید] معنای این دعا و درخواست را دریابیم: آن که **ה'** در مرتبة **אלקים** باشد و سنگ در مرتبة خانه **אלקים**.

וכדי להבין איך תהיה האבן במדרגה גדולה כ"כ [כל כך] להיות מכון ומשכן להשראת קדושה עליונה עד שיהיה חל שם שמים על האבן שתהיה נק' בשם בית אלקים. הנה צריך להבין ענין הפרשה כולה ויצא יעקב כו'

و برای فهمیدن این که چگونه سنگ می‌تواند به مرتبه‌ای چنین بلند برسد که جایگاهی استوار و مسکنگاهی برای فرود قدوسیت برین باشد، تا آن جا که نام آسمان بر سنگ قرار گیرد و آن «خانه **אלקים**» خوانده شود، باید معنای کل این بخش از تورات، «و یعقوب بیرون رفت»، و جز آن را دریابیم.

והענין דכתיב צוה ישועות יעקב בחי' יעקב נקרא ישועות

مطلب [این است]: نوشته شده است: «رهایی‌های یعقوب را فرمان ده.» مرتبة یعقوب «رهایی‌ها» (ישועות, yeshuos) نامیده می‌شود.

וביאור מלת ישועות הנה שרש התיבה הוא ש"ע [ש"ע (370)] ושאר אותיות הם נוספות בתיבה כלומר שע"י בחינת יעקב מתגלית ש"ע [ש"ע (370)] נהורין עילאין

و درباره واژه yeshuos: ریشه واژه **ש"ע** (shin-ayin) است [که ارزش عددی اش ۳۷۰ است] و حروف باقی‌مانده افزوده‌هایی به واژه‌اند. یعنی از طریق مرتبة یعقوب، ۳۷۰ نور برین (**ש"ע** **נהורין** **עילאין**, shin-ayin nehorin ila'in) آشکار می‌شوند.

וגם **ש"ע** הוא מלשון **וישע** **ה'** אל **הבל** שהוא לשון הפנה דהיינו **שכל** **פינות** **وהמשכות** **עליונות** **פונות** **ונמשכות** **ע"י** **בחי' יעקב** **יו"ד** **עקב**.

و نیز **ש"ע** از تعبیر «و **ה'** به **هابیل** (**הבל**) روی آورد» گرفته شده است؛ این تعبیر، روی آوردن [به سوی کسی] را می‌رساند. یعنی همه روی آوردن‌ها و جریان‌های برین، از طریق مرتبة یعقوب روی می‌آورند و فرود می‌آیند؛ [که همان] **یود-عقب** (**יו"ד** **עקב**, yud-akev) است: **یود** [و] **پاشنه**.

3 וענין נהורין והמשכות הללו היינו גילוי ההארות והמשכות מאור א"ס עצמו שכשמו כן הוא אין לו סוף כו'.

و مقصود از این نورها و امتدادهای فرودآورده، آشکارشدن تابشها و امتدادها از خود نور بی پایان (اور אין سوف, Or Ein Sof) است؛ نوری که چنانکه نامش نشان می دهد، بی پایان است، و غیره.

ואינו בגדר עלמין כלל וכולא קמיה כלא ממש חשיב ולית מחשב' תפיסא ביה ואין ערוך אליו כו'.

و اصلاً در چارچوبِ عوالم نمی گنجد؛ «همه چیز در برابر او حقیقتاً هیچ به شمار می آید»، و «هیچ اندیشه ای او را در نمی یابد»، و هیچ چیزی هم تراز او نیست، و غیره.

כי מלכותך מלכות כ"ע [כל עלמין] והודו וזיוו על ארץ ושמים כו' זיו והארה בעלמא המתלבש' ומתפשטת בתוך עלמין

زیرا «فرمانروایی تو فرمانروایی همه عوالم است» و «جلال او» و فروغش «بر زمین و آسمان است»، و غیره: تنها پرتویی و روشنایی ای است که درون عوالم پوشیده می شود و گسترش می یابد،

להוות' [להוותם] ולהחיותם להיות חיים וקיימים מאין ליש בבחי' העלם והסתר اور א"ס ב"ה עצמו שלא יבטלו העולמות במציאות ויחזרו להיות אין ואפס כמו שהיו

تا آن ها را پدید آورد و به آن ها حیات ببخشد، تا زنده و پایدار باشند و از نیستی به هستی آیند؛ آن هم به نحو نهان بودن و پوشیده ماندن خود نور بی پایان، که متبارک باد، تا عوالم از هستی ساقط نشوند و به نیستی و عدم بازنگردند، چنانکه [پیش از آن] بودند؛

דהיינו ע"י כמה צמצומים והתלבשות שונות בירידת המדרגות כדרך השתלשלות אבל اور א"ס ב"ה בעצמו ובכבודו רם ונשא כו' והוא למעלה מעלה מבחינת השתלשלות

یعنی به واسطه انقباضهای گوناگون (צמצומים, tzimtzumim) و پوششهای مختلف، در فرودآمدن مرتبه ها، بر طبق راه و نظم زنجیره نزول عوالم (השתלשלות, hishtalshelus). اما نور بی پایان، که متبارک باد، در ذات و جلال خویش، بلندمرتبه و برتر است، و غیره، و بسیار بسیار فراتر از مرتبه زنجیره نزول عوالم قرار دارد.

וע"י בחי' יעקב יו"ד עקב נמשך אא"ס [אור אין סוף] ב"ה שלמעלה מבחי' השתלשלות שיאיר למטה בגילוי הנפש אלקות שבכל א' מישראל להיות גילוי אור א"ס ב"ה ממש על נפשו.

و به واسطه مرتبه یعقوب (יעקב)، یعنی «یود - پاشنه» (יו"ד עקב, yud-akev [یود-پاشنه])، نور بی‌پایان، که متبارک باد و فراتر از مرتبه השתלשלות است، فرود آورده می‌شود تا در پایین، با آشکار شدن در نفیس الهی (נפש האלקית, Nefesh Elohis) که در هر یک از یهودیان است، بتابد؛ تا خود نور بی‌پایان بر نفیس او آشکار شود.

4 והיינו ע"י שלקח מאבני המקום וישם מראשותיו. אבנים הן אותיות כמ"ש בס"י [בספר יצירה] שני אבנים בונות שתי בתים.

و این از آن‌روست که او «از سنگ‌های آن مکان گرفت و [آنها] را نزد سر خود نهاد». سنگ‌ها حروف‌اند، چنان‌که در سفر یصیرا (ספר יצירה) آمده است: «دو سنگ، دو خانه می‌سازند».

והטעם שנקראו אותיות בשם אבנים הוא כי כמו שע"י כמה אבנים נבנה בית לשבת אדם כו' כך ע"י כמה צירופי אותיות נעשי' [נעשית / נעשים] תיבות ומכמה צירופי תיבות נעשה ענין שלם שמתוכו מובן ומושג איזה השכלה והשגה

و علت آنکه حروف را به نام «سنگ‌ها» می‌خوانند این است که همان‌گونه که با چند سنگ خانه‌ای ساخته می‌شود تا انسان در آن سکونت کند و مانند آن، با چندین ترکیب حروف، واژه‌ها ساخته می‌شوند؛ و از چندین ترکیب واژه‌ها، موضوعی کامل پدید می‌آید که از درون آن، مفهومی و دریافتی فهم و درک می‌شود.

והרי השכל שורה ומתלבש באותיות הללו וכתפארת אדם לשבת בית ע"י צירופי אבנים

و عقل در این حروف جای می‌گیرد و در آنها پوشیده می‌شود؛ همچون «شکوه انسان برای سکونت در خانه»، به واسطه ترکیب سنگ‌ها.

ויעוד טעם אחר כי כמו שהאבנים הם דומם ואין להם ערך ויחוס לאדם הדר בבית שנבנה מהאבנים כך האותיות הן בחי' דומם לגבי השכל השורה ומתלבש בהם ואין להם ערך ויחוס אליו

و دلیل دیگری نیز هست: همان‌گونه که سنگ‌ها بی‌جان‌اند و با انسانی که در خانه ساخته شده از آن سنگ‌ها زندگی می‌کند هیچ سنخیت یا نسبتی ندارند، حروف نیز در برابر عقل که در آنها جای می‌گیرد و در آنها پوشیده می‌شود، در مرتبه بی‌جان‌اند و هیچ سنخیت یا نسبتی با آن ندارند.

ולכן בטלים הם לגבי השכל (ועמ"ש בפ' בראשית בד"ה להבין בתוספת ביאור ענין וייצר)

ازاین‌رو، در برابر عقل، در حالتِ خودنفی‌گری (بیטول، bittul) هستند. (و آنچه در پاراشات برشیت، در مامارِ آغازشونده با «برای فهمیدن، با توضیحی افزوده دربارهٔ مفهوم “و او صورت داد” آمده است، ملاحظه شود.)

ולכן נק' הוי' צבאות אות הוא בצבא דילי' [דיליה] שכל העולמות והברואי' [והברואים] נתהוו מבחי' אותיות שבפשרה מאמרות שנברא בהם העולם יהי אור יהי רקיע כו'.

و ازاین‌رو، او را «ه' צבאות» (Havayah Tzevakos) می‌خوانند [یعنی ه' צבאות]: «او نشانه‌ای (אות، os) در میان سپاهِ خویش است»، زیرا همهٔ عوالم و آفریدگان از مرتبهٔ حروفِ ده گفتاری پدید آمده‌اند که جهان با آنها آفریده شد: «روشنایی باشد»، «گستره‌ای باشد» و جز اینها.

וכל צבא השמים העליונים אלף אלפין وربוא רבבן ולגדודיו אין מספר הם בטלים לגבי אור א"ס ב"ה כבטול האותיות שהן בחי' דומם לגבי השכל

و همهٔ سپاهِ آسمان‌های برین، «هزار هزار و ده‌هزار ده‌هزار»، و «سپاهیانِ او بی‌شمارند»، در برابرِ نورِ بی‌پایان (اور אין سوف، Or Ein Sof)، متبارک باد، در حالتِ خودنفی‌گری‌اند، همانندِ حروفِ که در برابرِ عقل در مرتبهٔ بی‌جان‌اند.

מאחר שהם בחי' גבול ת"ק שנה כו' ונבראים ומחודשים מאין ליש הרי אין ערוך אליו ית'

ازآنجا که آنها در مرتبهٔ محدودیت‌اند، [به اندازهٔ] پانصد سال و جز آن، و از نیستی به هستی آفریده و نوپدید شده‌اند، هیچ سنجشی با او، متبارک باد، ندارند.

וכנודע ענין הערך במספר שמספר א' לגבי אלף אלפים כו' יש לו איזה ערך ויחוס

و چنان‌که در بابِ سنجشِ عددی شناخته شده است، عددِ یک در مقایسه با هزار هزار و مانند آن، نوعی سنجش و نسبت دارد؛

משא"כ אליו ית' שהוא א"ס ב"ה אין ערוך כלל ולכן נק' אות הוא בצבא דילי' [دیلیה] שכל הצבאות אינן אלא בחי' אות א' לגבי אור א"ס ב"ה.

اما دربارهٔ او، متبارک باد، که بی‌نهایتِ مطلق (اين سوف، Ein Sof) است، چنین نیست؛ هیچ‌گونه سنجش و نسبتی در میان نیست. ازاین‌رو گفته می‌شود: «او حرفی در میان سپاهِ خویش است» (אות، os)، زیرا همهٔ سپاهیان در برابرِ نورِ بی‌پایان (اور אין سوف، Or Ein Sof)، متبارک باد، چیزی جز یک حرف نیستند.

5 והנה באבני המקום שהם בחי' אותיות כתיב וישם מראשותיו שהגביה והעלה אותם למעלה מעלה

מבחי' ההשתלשול [ההשתלשלות] דהיינו לבחי' סוכ"ע

אکنون، درباره «سنگ‌های مکان» که مرتبه حروف‌اند، نوشته شده است: «و [آن‌ها را] نزد سرش نهاد»؛ یعنی آن‌ها را بسیار، بسیار فراتر از مرتبه زنجیره نزول عوالم (השתלשלות, hishtalshelus) بالا برد و رفعت بخشید؛ یعنی به مرتبه نوری که همه عوالم را فرا می‌گیرد (סובב כל עלמין, sovev kol almin).

כי לפי שהאותיות הן בחי' דומם לכך יש להם כח ויכולת לעלות למעלה מעלה כנודע שנעוץ תחלתן

בסופן דייקא וסוכ"ע הוא כמשל העיגול שממטה נעשה מעלה. וכמ"ש ומתחת זרועות עולם.

زیرا حروف در مرتبه جماداند و ازاین‌رو قدرت و توانایی دارند که بسیار، بسیار فراتر بروند؛ چنان‌که معروف است که «آغازشان دقیقاً در پایان‌شان نهفته است». و **סובב כל עלמין** مانند تمثيل دایره است که در آن، آنچه پایین است بالا می‌شود. و چنان‌که نوشته شده است: «و در زیر، بازوان جهان است».

6 והנה כתיב ויקח מאבני המקום ולא כל ابני לפי שלא כל האותיות יש להן כח זה אלא אות היו"ד שהוא

בחי' כלי לחכמה

אکنون نوشته شده است: «از سنگ‌های آن مکان برگرفت»، نه «همه سنگ‌ها»؛ زیرا این نیرو در همه حروف نیست، بلکه تنها در حرف יוד (יו"ד, yud) است که مرتبه ظرفی برای حکمت (חכמה, Chochmah) است.

וחכמה הוא כח מ"ה [מה] בחי' בטול ולכך שורה שם ומתגלה אור א"ס ב"ה הסוכ"ע כי הוי' בחכמה כו'

ואין אור א"ס ב"ה שורה ומתגלה אלא במי שבטל כו'.

و حکمت «نیروی چه» (**כח מ"ה**, koach mah) است؛ مرتبه خودنفی‌گری (ביטול, bittul). ازاین‌رو نور بی‌پایان (اور אין سوف, Or Ein Sof)، که او متبارک است، یعنی نوری که همه عوالم را فرا می‌گیرد (סובב כל עלמין, sovev kol almin)، در آنجا جای می‌گیرد و آشکار می‌شود؛ زیرا «ה' در حکمت است» و غیره؛ و نور بی‌پایان، که او متبارک است، تنها در کسی جای می‌گیرد و آشکار می‌شود که خودنفی‌گر باشد و غیره.

וזהו האבן אשר שם מראשותיו (ועמ"ש ע"פ מאמר הרע"מ [הרע"א מהימנא] פ' כי תשא בענין אבנא

למשקל בה דא י') ואח"כ וישם אותה מצבה

و این همان «سنگی است که او نزد سرش نهاده بود». (و بنگرید به آنچه درباره گفتار רע"א מהימנא, Ra'aya Mehemna [«چوپان وفادار»]) در پاراشات کی‌تیس (כי תשא) درباره «سنگی برای سنجیدن با آن: این یוד است» نوشته شده است.) و پس از آن، «آن را ستون برپا کرد»،

**וכתרגומו ושוי יתה קמא שהוא כמ"ש קמה אלמתיוגם נצבה שמה שהיתה האבן מונחת למטה בארץ
אח"כ הקים אותה והגביה אותה עוד ממטה למעלה**

و چنان که ترجوم آن را برگردانده است، «آن را ایستاده نهاد» (کاما؛ کما، kama)؛ همان گونه که نوشته شده است: «خوشه من برخاست (کامه؛ کמה، kamah) و نیز راست ایستاد». یعنی سنگی که پیشتر بر زمین، در پایین، افتاده بود، سپس آن را برپا کرد و از پایین به بالا باز هم بالاتر برد.

**והיינו עליי [עלייה] אחר עליי [עלייה] לבחי ומקורות י"ג מדות רחמים עליונים שהן בחי' יודיין ווי"ן כי
מקום יניקת השערה והגומא שלה הוא בחי' י' והשערה עצמה שהיא המשכה היא בחי' ו'**

و این صعودی پس از صعود دیگر است، تا مرتبه و سرچشمه‌های سیزده صفت رحمت برین؛ صفاتی که مرتبه حروف یود (יודיין, yudin) [و] واو (ויין, vavin) هستند. زیرا جایگاهی که مو از آن تغذیه می‌گیرد و فولیکول آن، مرتبه یود است؛ و خود مو، که امتدادی رو به پایین است، مرتبه واو است.

**וזهو וישם מראשותיו וישם אתה מצבה שמתחלה כאשר שם מראשותיו היא בחי' יו"ד ואח"כ נעשה
מצבה הוא בחי' וא"ו וכל בחי' הללו הם בחי' העלאה ממטה למעלה**

و این همان «و آنها را نزد سرش نهاد ... و آن را ستون برپا کرد» است: در آغاز، هنگامی که آن را نزد سرش نهاد، مرتبه یود بود؛ و سپس، هنگامی که به ستونی بدل شد، مرتبه حرف واو (וא"ו, vav) بود. و همه این مراتب، مراتب بالارفتن از پایین به بالاست.

**והיינו התעלות חכמה שבנפש לאור א"ס ב"ה השורה ומתגלה בה כי הנפש היא בחי' נברא ומחודש
מאין ליש בבחי' אותיות [אותיות] כו'**

یعنی صعود حکمت نفس به سوی نور بی‌پایانی (که او متبارک است) که در آن جای می‌گیرد و آشکار می‌شود؛ زیرا نفس مرتبه موجودی است که آفریده شده و از نیستی به هستی پدید آمده است، در مرتبه حروف و غیره.

**וצריך להעלות' ממטה למעלה לאור א"ס ב"ה הסוכ"ע וישוב אל ה' וירחמהו מבחי' י"ג מדות הרחמים
והעלאה זו היא בבחי' חכמה דוקא כ"ח מ"ה [מה]:**

و باید آن را از پایین به بالا، به سوی نور بی‌پایانی (که او متبارک است) که همه عوالم را فرا می‌گیرد، بالا برد: «و به ה' بازگردد و او بر وی رحمت آورد»؛ رحمتی از مرتبه سیزده صفت رحمت. و این صعود، مشخصاً از راه مرتبه حکمت، «نیروی چه»، صورت می‌گیرد.

7 הגה"ה [הגהה]

חאשיה.

8 לכאורה אינו מובן כי היודי"ן שבת"ד [שבתיקוני דיקנא] הוא גבוה מהוי"ו כמ"ש לעיל כי מקום יניקת השערה והגומא שלה הוא בחי' יו"ד דהיינו מקום יניקתה ממו"ס [ממוחא סתימאה] שהוא הגבה מאד נעלה מהשערות עצמן שהן בחי' ו'.

در نگاه نخست، این مطلب فهمیده نمی‌شود؛ زیرا حرف‌های یود (יודי"ן, yudin) در ترتیبات ریش (תיקונים, tikkunim) از واوها (וי"ו, vav) بالاترند، چنان‌که پیش‌تر گفته شد: جایگاهی که مو از آن تغذیه می‌کند و فولیکول آن، مرتبه یود است؛ یعنی جایگاهی که مو از عقل نهان (מוחא סתימאה, Mocha Stima'ah) از آن تغذیه می‌کند، و این جایگاه بسیار بالاتر و برتر از خود موهاست که مرتبه واو هستند.

9 והרי בחי' וישם אתה מצבה משמע שהוא עלייה אחר עלייה למעלה מבחי' מראשותיו שהוא בחי' יו"ד. וזהו תרתי דסתרי.

بااین‌همه، مرتبه «و آن را چون ستونی برپا کرد» دلالت می‌کند بر صعودی پس از صعودی دیگر، فراتر از مرتبه «در محل سرش»، که مرتبه حرف یود (יוד, yud) است. و این دو [گفته] با یکدیگر تناقض دارند.

אך פי' מראשותיו הוא בחי' חכמה דאצילות ואח"כ וישם אתה מצבה שנעשית בחי' ו' הוא בחי' אבא יונק ממזלא שבחי' השערות דת"ד [דתיקוני דיקנא] שהן ווי"ן גבוה מהיו"ד דח"ע [דחכמה עילאה].

اما مراد از «در بالای سرش» مرتبه حکمت (חכמה, Chochmah) در عالم صدور (אצילות, Atzilus) است؛ و پس از آن، «و آن را چون ستونی برپا کرد» - هنگامی که به مرتبه واو بدل می‌شود - مرتبه پدر (אבא, Abba) است، که از מזلا (מזלא, Mazla) تغذیه می‌کند؛ زیرا مرتبه موهایی ترتیب‌ها و آرایش‌های ریش (תיקוני دיקנא, tikkunei dikna)، که واوها هستند، از یود حکمت برین (חכמה עילאה, Chochmah Ila'ah) بالاتر است.

אח"כ ויצק שמן על ראשה היינו המשכה ממו"ס [ממוחא סתימאה] ממש לתוך המזלות כו' ומזה ממש נמשך הגלוי למטה בהלכו' שבתורה שבע"פ [שבעל פה] ששרשן מנימין דמו"ס [דמוחא סתימאה] וע"ז נאמר סלסלה ותרוממך כו':

پس از آن، «و بر فراز آن روغن ریخت»: یعنی فرودآوردن جریان از خود عقل نهفته (מוחא סתימאה, Mocha Stima'ah) به درون مزالوت (מזלות, mazalos)، و جز آن. و از همین‌جا مکاشفه به پایین، در احکام توراہ شفاهی، فرود می‌آید؛ احکامی که ریشه‌شان در رشته‌های عقل نهفته است. و درباره این گفته شده است: «او را بالا ببر، و او تو را بالا خواهد برد»، و جز آن.

10 אך אין זה תכלית המכוון רק שאח"כ ויצק שמן על ראשה שמן היינו המשכת חכמה עילאה שהיא

התורה ורצונו ית' שנמשכו ע"י בחי' יעקב יו"ד עקב כמ"ש ויקם עדות ביעקב ותורה שם בישראל

בاین‌حال، این مقصود نهایی نیست؛ بلکه [مقصود آن است که] پس از آن «روغن بر سر آن ریخت». روغن، فرودآمدن حکمت برتر (חכמה עילאה, Chochmah Ila'ah) است؛ و این حکمت برتر، همان تورات و اراده او، متبارک باد، است که از طریق مرتبه یعقوب (יעקב)، یعنی یود و پاشنه (יו"ד עקב, yud-akev)، فرود می‌آیند؛ چنان‌که نوشته شده است: «گواهی‌ای در یعقوب برپا داشت و توراتی در اسرائیل نهاد»:

להיות בעסק התורה שלמטה בגשמיות המחליף פרה בחמור כו' גילוי המשכת חכמה עילאה

تا در مطالعه تورات در پایین، در امور مادی، [مانند مورد] «کسی که گاوی را با خری معاوضه می‌کند» و غیره، فرودآمدن حکمت برتر آشکار شود.

שכל פרטי הלכות שנפרדו הם יסודתם בהררי קדש עליון חכמה עילאה שכך חייבה חכמתו ורצונו ית'.

زیرا همه جزئیات احکام، که از یکدیگر جدا شده‌اند، بنیادشان در کوه‌های مقدس برین، در حکمت برتر است؛ زیرا حکمت و اراده او، متبارک باد، چنین اقتضا کرده است.

11 ואי לזאת יהי' [יהיה] עסק התורה ג"כ עד"ז להמשיך חכמה עילא' [עילאה] בנפשו ועי"ז נעשה אתכפיא

סט"א [סטרא אחרא] ואתהפכא כו'.

ازاین‌رو، اشتغال به تورات نیز باید به همین شیوه باشد: حکمت برین (חכמה עילאה, Chochmah Ila'ah) را به درون جان خویش جاری ساختن. و از این راه، سوي دیگر (סטרא אחרא, sitra achra) مغلوب می‌شود (אתכפיא, iskafya) و دگرگون می‌گردد (وאתהפכא, is'hapcha)، و الی آخر.

ולכן ארז"ל [אמרו רבותינו זכרונם לברכה] מה להלך באימה וביראה אף כאן באימה כו' שתפול על האדם אימה

ופחד בעסקו בתורה כמו בשעת קבלתו בהר סיני.

ازاین‌رو، حکیمان ما، یادشان گرامی، فرموده‌اند: «همان‌گونه که آنجا [چنین بود]، با بیم و هیبت، اینجا نیز [باید چنین باشد]، با بیم»، و الی آخر؛ یعنی هنگام اشتغال شخص به تورات باید بیم و هراس بر او فرود آید، همانند هنگام دریافت تورات در کوه سینا.

12 והנה שם בהר סיני כל העם ראו את הקולות ואת הלפידים וכו' פנים בפנים דבר ה' עמכם כו'.

اکنون، آنجا در کوه سینا، «همه مردم صداها و شعله‌ها را دیدند» و جز این‌ها؛ «رو در رو، ה' (Havayah) با شما سخن گفت» و جز این‌ها.

והאיך ימשיך כל אדם יראה זו עליו בכל זמן אלא כאשר ישים האדם אל לבו שהתורה שהוא לומד היא המשכת חכמה עילאה

پس چگونه هر شخص می‌تواند این هیبت را در هر زمانی بر خود فرود آورد؟ تنها هنگامی که انسان به دل بگیرد که تورا (تורה) که می‌آموزد، فرودآوردنِ حکمتِ برین (حכמה عילאה, Chochmah Ila'ah) است،

ושם שורה ומתגלה אור א"ס ב"ה שלמעלה מעלה מגדר ההשתלשלות וקמיה כחשיכה כאורה מעלה ומטה روحניות וגשמיות שוין א"כ אין כאן הסתר פנים כלל ע"כ מה להלך כו' הכל שוה.

و در آن نور بی‌پایان (اور אין سوف, Or Ein Sof)، که او متبارک است، جای می‌گیرد و آشکار می‌شود؛ نوری که بسیار، بسیار فراتر از حدودِ زنجیرهٔ نزولِ عوالم (השתלשלות, hishtalshelus) است؛ و در پیشگاه او «تاریکی همچون روشنایی است»: بالا و پایین، معنوی و جسمانی، یکسان‌اند. پس اگر چنین است، اینجا هیچ پوشیدگیِ چهره‌ای در کار نیست. ازاین‌رو، «همان‌گونه که آنجا...»؛ همه‌چیز یکسان است.

13 והנה להבין תכלית ירידת יעקב יו"ד עקב להיות הש"ע [הש"ע (370)] נהורין בגילוי למטה וליקח מאבני

המקום להעלותם למעלה ולהמשיך אח"כ בחי' שמן הוא בחי' חכמה עילאה מלמעלה למטה.

اکنون [باید] غایتِ فرودآمدنِ یعقوب (יעקب)، یودِ عَقَب (یو"ד عקב, yud-akev؛ حرفِ یود و پاشنه) را دریابیم: تا ۳۷۰ نور در پایین آشکار شوند، و «از سنگ‌های آن مکان» برگرفته شوند تا به بالا برده شوند، و سپس مرتبهٔ روغن، یعنی مرتبهٔ حکمتِ برتر (حכמה عילאה, Chochmah Ila'ah)، از بالا به پایین فرود آورده شود.

וירידה זו הוא מ"ש ויצא יעקב מבאר שבע. באר הוא מקור ומעיין הנובע ז' מדות עליונות לך ה' הגדולה והגבורה כו' שהן בחי' לך בחי' ביטול.

و این فرودآمدن همان چیزی است که نوشته شده: «و یعقوب از بئر שֶׁׁׁׁׁׁ (באר שבע, Be'er Sheva؛ «چاه هفت») بیرون رفت.» بئر، یعنی چاه (بאר, Be'er)، سرچشمه و چشمهٔ جوشانِ هفت صفتِ عاطفیِ برتر (مדות, middos) است: «از آنِ توست، ה' (Havayah)، بزرگی و قدرت» و الی آخر؛ این صفاتِ مرتبهٔ «از آنِ تو» هستند، یعنی مرتبهٔ خودنهی‌گری (بیטول, bittul).

וילך חרנה חר"ן (ע"ה [עליו השלום]) בגימ' [בגימטריא] גרו"ן רק בחי' גרו"ן היינו כשהקול יוצא כדרכו בלי עכוב ובלי מונע

«و به حاران (חר"ן, Charan) رفت.» حاران، با احتسابِ خودِ واژه به‌عنوان یک واحد (כולל, kollel)، از نظر عددی برابر با گلو (גרו"ן, garon) است. اما مرتبهٔ گلو آن‌گاه است که صدا به روالِ طبیعیِ خود، بی‌هیچ بازدارنده و مانعی، بیرون آید؛

**אבל חר"ן אותיות נחר היינו מ"ש יגעתי בקראי נחר גרוני. והיינו כשגובר בו יסוד האש כי הקול כלול
אש רוח ומים.**

اما حاران حروفی واژه «خشکیده» (نחר, nichar) را نیز دارد، چنانکه نوشته شده: «از فریاد زدن خسته شده‌ام؛ گلویم خشکیده است.» و این هنگامی است که عنصر آتش در آن غلبه می‌یابد؛ زیرا صدا از آتش، هوا و آب ترکیب شده است.

**روح הוא עיקר התפשטות הבל הלב ומים היינו לחלוחית הריאה ואש הוא המחלק את הקול להיות
ההפסק להתחלק בה' מוצאות הפה כלי הדבור.**

هوا امتداد اصلی نفیس دل است؛ آب، رطوبت ریه است؛ و آتش است که صدا را بخش‌بخش می‌کند و با ایجاد مکث، آن را به پنج مخرج دهان، یعنی اندام‌های گفتار، تقسیم می‌کند.

14 וכשגובר יסוד האש ביותר הוא המפסיק את הקול עד שאינו יכול לצאת במשך ההעברה כדרכה.

و هنگامی که عنصر آتش بیش از اندازه غلبه می‌کند، همین است که صدا را قطع می‌کند، تا آنجا که صدا نتواند در جریان پیوسته معمول خود بیرون آید.

וכך הוא בחי' חרן היינו בחי' המפסיק את הקול שהוא ההמשכה מחיות ואור א"ס ב"ה

مرتبه حَران (חרן, Charan) نیز همین است: یعنی مرتبه آنچه صدا را قطع می‌کند؛ صدایی که همان فرودآمدن نیروی حیات (חיות, chayus) و نور بی‌پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof) از بی‌نهایت مطلق (אין סוף, Ein Sof)، متبارک باد او، است؛

**שלא להיות ההמשכה כדרכה בקדושה דוקא אלא שיש גם לקליפות וס"א [וסטרא אחרא] יניקה ואחיזה
בהמשכה זו ואזי נק' בבחי' נאלמתי דומיה שנפסק הקול וההמשכה ונעשה בחי' נפרד**

به‌گونه‌ای که این فرودآمدن، دیگر تنها در مسیر معمول خود در قدوسیت نیست، بلکه پوسته‌ها (קליפות, kelipos) و سوي دیگر (סטרא אחרא, sitra achra) نیز از این فرودآمدن روزی می‌گیرند و در آن جای پایی دارند. آنگاه این حالت با عبارت «لال و خاموش ماندم» نامیده می‌شود؛ زیرا صدا و فرودآمدن قطع می‌شوند و مرتبه جدایی پدید می‌آید.

**ובחי' זו הוא בין בהנהגת העולמות שהוא ענין גלות ישראל ושעבוד מצרים ובבל מחמת תגבורת האש
ותוקף הדין**

این مرتبه هم در تدبیر عوالم وجود دارد، که عبارت است از تبعید اسرائیل و به بندگی کشیده شدن در مصر و بابل، بر اثر شدت آتش و نیروی داوری؛

ובין בכל נפש מישראל בעבודת ה' שעסק התורה שלו הוא בבחי' נפרד ולא בבחי' ביטול לאור א"ס ב"ה להיות גילוי חכמתו כו' מחמת תגבורת האש וחמימות שמצד גופו ונפש הבהמית אשר נמשך אחריהם.

و نیز در هر نفیس یهودی، در خدمتِ ה': هنگامی که مطالعهٔ تورا او در حالتِ جدایی است و نه در حالتِ خودنفی‌گری (بیטול, bittul) نسبت به نورِ بی‌پایان، متبارک باد او، تا حکمتِ او و مانند آن در آن آشکار شود؛ و این به سببِ شدتِ آتش و گرمایی است که از بدنِ او و نفیس حیوانی (نפש הבהמית, Nefesh HaBahamis) برمی‌خیزد، که او از آن‌ها پیروی می‌کند.

אך הנה תכלית ירידה זו של בחי' יעקב מאגרא רמה מבאר שבע מקו' מדות העליונות שהן ביטול אליו ית' לך ה' הגדולה כו' לבירא עמיקתא מקום החרן המפסיק ומעכב את קול ההמשכה להיות בחי' נפרד. הוא כדי להיות אתכפיא ואתהפכא

اما مقصودِ این نزولِ مرتبةٔ یعقوب (יעקב)، از «قله‌ای بلند»، از بئرשبع (באר שבע, Be'er Sheva)—خاستگاهِ صفاتِ برین، که در برابرِ او در حالتِ بیטול‌اند، چنان‌که آمده است: «بزرگی از آنِ توست، ה'»، و مانند آن—به «چاهی ژرف»، یعنی جایگاهِ حران، که صدایِ فرودآمدن را قطع و باز می‌دارد تا مرتبةٔ جدایی پدید آید، این است که رام‌سازی (אתכפיא, iskafya) و دگرگونی (אתהפכא, is'hapcha) تحقق یابد.

ואזי נעשה מחרן רנה כי החי"ת נפסק ונעשה ה"א. כמ"ש בזהר ע"פ גער חית קנה שמחמץ נעשה מצה.

و آنگاه از حران، سرودِ شادی (رנה, rinah) پدید می‌آید؛ زیرا حرفِ ח (ches) گشوده می‌شود و به ה (hei) بدل می‌گردد. چنان‌که در **זהר (זהר)** دربارهٔ آیهٔ «جانورِ نیزار را سرزنش کن» آمده است: از خمیرِ ورآمده (חמץ, chametz)، نانِ فطیر (מצה, matzah) پدید می‌آید.

15 וזהו ושבתی בשלום אל בית אבי ושבתی מחר"ן. אל בית אבי זהו בחי' יצחק ויצחק נק' ע"ש [על שם] צחק

עשה לי אלקים

و این است معنای «و به سلامت به خانهٔ پدرم بازخواهم گشت»: «بازخواهم گشت» یعنی از حاران (חרן, Charan). «به خانهٔ پدرم»: این مرتبةٔ اسحاق (יצחק) است؛ و اسحاق چنین نامیده شده، به سببِ «**אלקים** برای من خنده (צחק, tzechok) پدید آورده است»،

והוא בחי' רנ"ה שנעשה מחר"ן וכתוב כל השומע יצחק לי יצחק הוא לשון עתיד דהיינו בביאת המשיח ב"ב [במהרה בימינו] שאז אהפוך אל עמים וגו'

و این مرتبه آواز شادی (رن"ה, rinah) است که از حاران پدید می‌آید. و نوشته شده است: «هر که بشنود، برای من خواهد خندید (יצחק, yitzchak)»؛ «יצחק» صیغه آینده است؛ یعنی هنگام آمدن **משיח** (Moshiach)، به‌زودی در روزگار ما؛ زیرا آن‌گاه «قوم‌ها را دگرگون خواهیم کرد»، و غیره.

דכד אתכפיא ואתהפכא אזי נעשה בחי' צחוק וחדזה כמו עד"מ צחוק המלך והשרי' מענין התהפכות דבר רחוק וזר כמו מצפור מדברת שזהו דבר חידוש משא"כ מאדם המדבר שדרכו בכך לא שייך צחוק.

زیرا هنگامی که [سوی دیگر (סטرا אחרא, sitra achra)] به زیر کشیده و دگرگون می‌شود، مرتبه خنده و شادی پدید می‌آید؛ چنان‌که، برای نمونه، شاه و وزیران از دگرگونی چیزی دور و نامأنوس، مانند پرندهای که سخن می‌گویند، به خنده می‌افتند؛ زیرا این پدیده‌ای نو است. اما دربارهٔ انسانی که سخن می‌گوید، چون سخن گفتن شیوه معمول اوست، خنده‌ای در کار نیست.

16 ולכן ארז"ל [אמרו רבותינו זכרונם לברכה] במקום שבע"ת [שבעלי תשובה] עומדין כו' משום דאתהפכא חשוכא

כו'. וגם ארז"ל [אמרו רבותינו זכרונם לברכה] אם ישראל עושין תשובה נגאלין כו' שזהו תכלית ביאת המשיח

להיו' [להיות] הצחוק והחדזה כד אתכפיא ס"א [סטرا אחרא] ואתהפכא חשוכא לנהורא.

بنابراین، حکمای ما، یادشان گرامی باد، گفته‌اند: «در جایگاهی که اهل بازگشت (בעלי תשובה, baalei teshuvah) ایستاده‌اند...»؛ زیرا تاریکی دگرگون می‌شود، و مانند آن. حکمای ما، یادشان گرامی باد، همچنین گفته‌اند: «اگر اسرائیل به بازگشت (تשובה, teshuvah) روی آورند، رهایی می‌یابند...»؛ زیرا این مقصود از آمدن **משיח** (Moshiach) است: آن‌که خنده و شادی پدید آید، هنگامی که سوی دیگر (סטرا אחרא, sitra achra) رام می‌شود و تاریکی به نور دگرگون می‌گردد.

וזזה מארז"ל [מאמר רבותינו זכרונם לברכה] שלעתיד יאמרו על יצחק כי אתה אבינו שתכלית ירידת הנשמה

בגוף בעוה"ז ותכלית ירידת ישראל בגלות ושעבוד ודוחק פרנסה הוא כדי שיעלו ויבאו ויגיעו לבחי'

יצחק הוא הצחוק והחדזה כו':

و این [معناي] گفته حکمای ما، یادشان گرامی باد، است که در آینده به اسحاق (יצחק) خواهند گفت: «زیرا تو پدر ما هستی»؛ زیرا مقصود از نزول روح به بدن در این جهان، و مقصود از نزول اسرائیل به تبعید و زیر سلطه رفتن و تنگنای تأمین معاش، آن است که بالا روند و بیایند و به مرتبه اسحاق برسند؛ یعنی به خنده و شادی، و مانند آن.

17 אך כיצד ישוב מבחי' חרן לבחי' יצחק הנ"ל הנה לזה אמר הכתוב בשלום כי שלום הוא המחבר ומקשר ב' הפכים

اما چگونه می‌توان از مرتبة حران (חרן) به مرتبة اسحاق (יצחק) که در بالا یاد شد بازگشت؟ برای این منظور، آیه می‌گوید: «در صلح»؛ زیرا صلح است که دو ضد را به هم می‌پیوندد و به یکدیگر پیوند می‌دهد،

כמ"ש עושה שלום במרומיו בין מיכאל כו' שלום שלום לרחוק שנעשה קרוב כו' ובשלום ב' שלום ממטה למעלה וממעלה למטה כמ"ש במ"א.

چنان‌که نوشته شده است: «او در بلندی‌های خویش صلح برقرار می‌کند»، میان میکائیل (میכאל) و غیره؛ «صلح، صلح برای آن‌که دور است»، که نزدیک می‌شود، و غیره. و واژه «בשלום» (beshalom) - «در صلح» - به دو [گونه] صلح اشاره دارد: از پایین به بالا و از بالا به پایین، چنان‌که در جای دیگری توضیح داده شده است.

18 והנה כשיתגלה הצחוק העליון לעתיד כד אתכפיא ואתהפכא דהיינו שלא יהיה שליטה ויניקה לקליפות וסט"א [وستרא אחרא] כלל וכמ"ש ואת רוח הטומאה אעביר מן הארץ. אזי יזדכך חומריות העולם וגסותו שלא יהיה בבחי' יש ודבר נפרד בפ"ע [בפני עצמו] רק הכל יוכלל בבחי' אין

اکنون، هنگامی که در آینده خنده برین آشکار شود، آن‌گاه که [سوی دیگر (סטרא אחרא, sitra achra)] مقهور و دگرگون گردد؛ یعنی هنگامی که پوسته‌ها (קליפות, kelipos) و سوی دیگر (סטרא אחרא) دیگر هیچ‌گونه سلطه و مایه ارتزاقی نداشته باشند، چنان‌که نوشته شده است: «و روح ناپاکی را از زمین برخوادم داشت»، در آن هنگام مادیت و درشتی جهان پالوده خواهد شد، به‌گونه‌ای که دیگر در مرتبة چیزی (יש, yesh) نباشد؛ چیزی جدا و مستقل به‌خودی خود؛ بلکه همه در مرتبة هیچ (אין, ayin) مندرج شود.

כי זהו תכלית בריאת העולמות מאין ליש כדי לאהפכא מבחי' יש לבחי' אין ואזי והיה הוי' לי לאלקים. زیرا این است مقصود از آفرینش عوالم از هیچ به چیز: تا [آنها] را از مرتبة יש به مرتبة אין دگرگون کند. و آنگاه: «ה' برای من به‌منزلة اלקים (אלקים, Elokim) خواهد بود.»

כי הנה אלקי' היינו ההעלם והצמצום להיות העולמות נבראים מאין ליש

زیرا اלקים همان پوشیدگی و انقباض (צמצום, tzimtzum) است، تا عوالم از هیچ به چیز آفریده شوند؛

והוי"ה היינו בחינת פנימיות אור א"ס ב"ה המחי' [המחיה] ומהוה כו'

و ה' مرتبة بعد درونی (פנימיות, pnimiyus) نور بی‌پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof)، که متبارک باد، است؛ نوری که حیات می‌بخشد و به‌وجود می‌آورد، و مانند آن.

וכמ"ש כי שמש ומגן הוי"ה אלקים שאלקי' נעשה בחי' מגן לשם הוי"ה שהוא בבחי' השמש כו'.

چنانکه نوشته شده است: «زیرا ה' אלקים خورشید و سپر است»: **אלקים** برای نام **ה'** به مرتبه سپر بدل می‌شود؛ نامی که در مرتبه خورشید است، و مانند آن.

אך כל זה הוא בבחינת השתלשלות וירידת המדרגות שהוא בבחי' זיו והארה שמאור א"ס ב"ה להוות ולהחיות נבראים כסדר ירידת השתלשלות המדרגות מדרגה אחר מדרגה.

اما همه این‌ها در حیطه زنجیره نزولِ عوالم (השתלשלות, hishtalshelus) و فرودآمدنِ مراتب است؛ امری که در مرتبه پرتو و تابشی از نور بی‌پایان، که متبارک باد، قرار دارد تا آفریدگان را مطابقِ نظمِ زنجیره نزولِ مراتب، مرتبه پس از مرتبه، به وجود آورد و به آنها حیات ببخشد؛

שמדרגות עליונים מקבלים אור היותר עליון ורוחני כו' וכל מה שלמטה מטה מתצמצם ומתלבש כו'.

زیرا مراتبِ برتر نوری متعالی‌تر و روحانی‌تر دریافت می‌کنند، و هرچه مرتبه پایین‌تر می‌رود، نور بیشتر منقبض می‌شود و در پوششی درمی‌آید، و مانند آن.

אבל לע"ל [לעתיד לבוא] כשיתגלה הצחוק העליון שהוא מבחי' אתהפכא כו' יהיה גילוי אא"ס [אור אין סוף] ב"ה בעצמו ובכבודו שלמעלה מעלה מבחינת השתלשלות

اما در آینده، هنگامی که خنده برین آشکار شود، خنده‌ای که از مرتبه دگرگونی است، نور بی‌پایان، که متبارک باد، در ذات و جلال خویش آشکار خواهد شد؛ نوری که بسیار، بسیار فراتر از مرتبه **השתלשלות** است.

כי עין בעין יראו כו' וראו כל בשר כו' ובאו במערות צורים ובמחילות עפר מפני פחד ה' וגו'.

زیرا «چشم در چشم خواهند دید»، و غیره؛ «و همه بشر خواهند دید»، و غیره؛ و به غارهای صخره‌ها و حفره‌های خاک وارد خواهند شد، از بیم **ה'**، و غیره.

19 ואז יהי [יהיה] בחי' הוי"ה שהוא אור א"ס ב"ה הנמשך ומתפשט להתלבש בתוך עלמין בסדר ההשתלשלות. נחשב בחי' אלקים דהיינו בחי' צמצום

و آنگاه مرتبه نام چهارحرفی (**ה'**, Havayah)، که همان نور بی‌پایان (**אור אין סוף**, Or Ein Sof)، متبارک باد، است و در ترتیبِ زنجیره نزولِ عوالم (השתלשלות, hishtalshelus) به پایین کشیده می‌شود و گسترش می‌یابد تا درونِ عوالم جامه بپوشد، مرتبه نام **אלקים** (Elokim)، یعنی مرتبه انقباض (**צמצום**, tzimtzum)، به‌شمار خواهد آمد؛

שבאמת אין זה אלא זיו והארה מצומצמת לגבי אור א"ס ב"ה בעצמו ובכבודו שלפניו מעלה ומטה שוין וכחשיכה כאורה.

زیرا در حقیقت، آن در قیاس با نور بی‌پایان، متبارک باد، در ذات و جلال خویش، چیزی جز پرتو و فروغی محدود نیست؛ در برابر او بالا و پایین یکسان‌اند و «تاریکی همچون نور است».

20 והאבן הזאת אשר שמתی מצבה הוא בחינת יו"ד כלי החכמה שמבחי' אותיות בחי' דומם דהיינו בחי' התהוות מאין ליש

«و این سنگ که آن را چون ستونی برپا کردم»: این مرتبهٔ حرف یוד (י"ד, yud)، ظرفِ حکمت (חכמה, Chochmah) است؛ و این ظرف از مرتبهٔ حروف، یعنی از مرتبهٔ بی‌جان، است؛ یعنی مرتبهٔ پدیدآمدن از نیستی به هستی.

רק לפי אשר שמתی מצבה שהגבהתי והעליתי כו' לכך יהי' [יהיה] לה כח ויכולת להיות בית אלקים שיהיה בחי' אלקים זה שהוא אוא"ס [אור אין סוף] ב"ה שבתוך עלמין שורה ומתגלה בבחי' אותיות הללו והאותיות תהיינה בבחי' משכן ומכון לשבתו ית'.

اما چون «آن را به صورتِ ستون برپا کردم»؛ زیرا آن را بالا بردم و برافراشتم و غیره، از این‌رو توان و قابلیت آن را خواهد داشت که «خانهٔ اَلِکِیم (אלקים, Elokim)» شود: این مرتبه از اَلِکِیم، یعنی نور بی‌پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof)، متبارک باد، که درونِ عوالم است، در این حروف قرار گیرد و آشکار شود، و حروف مسکن و جایگاهی استوار برای اقامتِ او، که متبارک باد، خواهند بود.

21 וכל זה הוא ע"י בחי' יעקב יו"ד עקב צוה ישועות יעקב גילוי הש"ע [הש"ע (370)] נהורין שבהן וע"י נזכה לכל בחי' האלו. וכל אשר תתן לי עשר אעשרנו לך.

و همهٔ این‌ها به واسطهٔ مرتبه / جنبه (בחינה, bechinah) یعقوب (יעקب) است، یود-عاقو (י"ד עקב, yud-akev)؛ حرفِ یود در پاشنه): «نجات‌های یعقوب را فرمان ده»؛ یعنی آشکارشدنِ ۳۷۰ نوری که در آن‌هاست؛ و به واسطهٔ این، به همهٔ این مراتب نائل خواهیم شد. «و از هرچه به من بدهی، ده یک خواهم داد، آن را ده یک خواهم کرد (עשר אעשרנו, aser a'asrenu) به تو.»

הענין הוא כי הנה נודע שיהיה עילוי אחר עילוי לאין קץ ימות המשיח ותחיה"מ [ותחיית המתים] כמה שמייטין ויובלות כו' וכל עילוי גדול מחבירו.

מطلب چنین است: معلوم است که عروجی پس از عروجی دیگر، بی‌پایان، خواهد بود؛ در روزگار **مשיח** (Moshiach) و رستاخیز مردگان، چرخه‌های متعدد **شمیتا** (Shemita, **שמייטין**) و **یوبیل‌ها**، و غیره؛ و هر عروجی از عروج دیگر بزرگ‌تر است.

אך קודם העילוי שאחר העילוי צריך להיות [להיות] נשאר מעילוי הראשון בבחי' אתעדל"ת [אתערותא דלתתא] לאתעדל"ע [אתערותא דלעילא] שבעילוי הב' ואתעדל"ת [אתערותא דלתתא] זו הנשאר מן העילוי הראשון נק' בחי' מעשר.

اما پیش از عروجی که پس از [هر] عروج می‌آید، لازم است چیزی از عروج نخست باقی بماند، به‌صورتِ برانگیختگی از پایین (**אתערותא דלתתא**, isarusa dilelata)، تا برای برانگیختگی از بالا (**אתערותא דלעילא**, isarusa dileila) که در عروج دوم است زمینه باشد؛ و این **אתערותא דלתתא** که از عروج نخست باقی می‌ماند، مرتبهٔ **دهیک** (**מעשר**, maaser) نامیده می‌شود.

22 וז"ש [זהו שכתוב] וכל אשר תתן לי לעתיד דהיינו כל העליות שיהיה עד אין קץ עשר אעשרנו ויהי [ויהיה] הרבה מעשרות לכל עילוי בחי' מעשר בפ"ע [בפני עצמו] ותמיד עשר אעשרנו עד שיגיע לך לבחי' אור א"ס ב"ה עצמו

و این است معنای آنچه نوشته شده است: «و از هر آنچه به من عطا کنی»؛ در آینده، یعنی همهٔ صعودهایی که بی‌پایان خواهند بود: «عشر خواهم داد، عشر خواهم داد». عشرهای بسیاری خواهد بود؛ برای هر صعود، مرتبه‌ای از عشر جداگانه، و پیوسته «عشر خواهم داد، عشر خواهم داد»، تا به «تو» برسد؛ به مرتبهٔ خود نور بی‌پایان (**אור אין סוף**, Or Ein Sof)، که متبارک است.

וכמו שהוא ית' א"ס כך יהיו עליות עד א"ס והכל ע"י בחי' יעקב יו"ד עקב כו' כנ"ל

و همان‌گونه که او، که متبارک است، بی‌نهایت است، صعودها نیز بی‌پایان خواهند بود؛ و همه‌چیز به‌واسطهٔ مرتبهٔ **יעقوب** (**יעקב**)، «یود-عاقو» (**יו"ד עקב**, yud-akev)، و جز اینهاست، چنان‌که [پیش‌تر] توضیح داده شد.

וד"ל [ודי למבין]: (ובענין מ"ש בפ"י עשר אפשרנו ואתעדל"ת [ואתערותא דלתתא] זו כו' נק' בחי' מעשר כו').
נראה כי הכתר הוא הממוצע בין עולם העליון לעולם התחתון שהוא סוף בחי' עליונה ומקור וראש
לבחי' תחתונה כמו מלכות דאצי' כתר לבריאה ומלכות דבריאה כתר ליצירה כו'.

و این برای فهمنده بس است. (و درباره آنچه در تفسیر «عُشر خواهم داد، عُشر خواهم داد» گفته شد که این برانگیختگی از پایین (אתערותא דלתתא, isarusa dilesata) و جز آن، مرتبه عُشر نامیده می‌شود و جز آن: به نظر می‌رسد که تاج (כתר, Keser) میانجی جهانی برتر و جهانی فروتر است؛ زیرا پایان مرتبه برتر و سرچشمه و سرآغاز مرتبه فروتر است. چنان‌که فرمانروایی (מלכות, Malchus) عالم صدور (אצילות, Atzilus)، تاج عالم آفرینش (בריאה, Beriah) است، و فرمانروایی عالم آفرینش، تاج عالم صورت‌بخشی (יצירה, Yetzirah)، و جز اینها.)

ולכן הנה להיות עליית העולמות שיתעלה העשייה בקדושי' [בקדושה / בקדושת] היצירה ממש הוא ע"י
אמצעות הכתר דעשייה שהוא בחי' מעשר מע"ס [מעשר ספירות] דעשי' [דעשייה].

ازاین‌رو، صعودِ عوالم، تا آنجا که عالم عمل (عשייה, Asiyah) به خودِ قداسِ عالم صورت‌بخشی ارتقا یابد، از طریق میانجی‌گری تاجِ عالم عمل صورت می‌گیرد؛ تاجی که مرتبه یک‌دهم از ده مرتبه تجلیِ عالم عمل (ספירות, Sefiros) است.

وهענין כי כתר הוא לשון שתיקה כמו כתר לי זעיר. ושתיקה הוא בחינת בטול וע"ז נאמר יונת אלם כו'.
وهוא בחינת בעמד תרפינה כנפיה.

و توضیح این است که «כתר» (Keser) به معنای سکوت نیز آمده است، چنان‌که در عبارت «اندکی درنگ کن» (כתר לי זעיר) آمده است. سکوت مرتبه خودنفی‌گری (ביטול, bittul) است؛ و درباره همین گفته شده است: «کبوتر خاموش» و جز آن. و این همان مرتبه «هنگامی که می‌ایستادند، بال‌هایشان را فرو می‌گذاشتند» است.

וע"י בטול זה יוכל להתעלות אח"כ ליצירה כי א"א להיות עלי' [עלייה] ממהות למהות כי אם שיוכל
תחלה בבחי' אין ממש וזהו ענין העמוד שבין ג"ע [גן עדן] התחתון לג"ע [לגן עדן] העליון כו'

و به‌واسطه این خودنفی‌گری، [آن مرتبه] می‌تواند پس از آن به عالم صورت‌بخشی صعود کند؛ زیرا صعود از ماهیتی به ماهیت دیگر ممکن نیست، مگر آنکه نخست در مرتبه هیچ محض (אין, ayin) جذب شود. این همان معنای ستونی است که میان گن عدن فرودین و گن عدن برین (גן עדן, Gan Eden) قرار دارد و جز آن.

וכמו צמיחת התבואה מזרע הנזרע בארץ הוא ע"י שמתחלה מתבטל מהות הזרע ונעשה בחי' אין רק שנשאר כחו בכח הצומח ועי"ז אח"כ נעשה הגידול נפלא יותר מהיש שהי' [שהיה] תחלה כו'.

ו [این مانند] رویدنِ غله از دانه‌ای است که در زمین کاشته شده؛ این رویش از آنجا پدید می‌آید که نخست ماهیت دانه به خودنفی‌گری می‌رسد و به مرتبهٔ هیچ بدل می‌شود، جز آنکه نیروی آن در نیروی رویاننده باقی می‌ماند؛ و به واسطهٔ این، رشد بعدی شگفت‌انگیزتر از آن موجودی می‌شود که در آغاز بود و جز آن.

ועד"ז עליי' [עלייה] יצירה בבריאה צ"ל תחלה בבחינת בטול ואין והוא בחי' כתר דיצירה כו' וזהו ענין אשר שם שמות בארץ בחי' אחד חרוב

و به همین ترتیب، صعودِ عالم صورت‌بخشی به عالم آفرینش نیز باید نخست در مرتبهٔ خودنفی‌گری و هیچ‌بودن صورت گیرد؛ و این همان مرتبهٔ تاجِ عالم صورت‌بخشی است و جز آن. و این همان معنای «آن‌که ویرانی‌ها را در زمین نهاده است» است؛ مرتبهٔ «و یکی [از هزار سال] ویران خواهد بود».

ומה שהוא בבחי' אלף השביעי ולא בבחי' עשירית היינו כי היכל ק"ק [קדש הקדשים] שהוא היכל השביעי כולל ג"ר [ג' ראשונות] אבל עיקר העליי' [העלייה] ע"י הכתר כו'. וע"ד זה יש עליות אין קץ.

و اینکه این مرتبه در حدِّ هزارهٔ هفتم است، نه در حدِّ یک‌دهم، از آن روست که تالارِ قدس‌الاقדاس (היכל, Heichal)، که هفتمین היכל است، سه مرتبهٔ نخست [از مراتبِ تجلی (سفירות, Sefiros)] را دربرمی‌گیرد؛ اما عروجِ اصلی از طریقِ تاج (כתר, Keser) است و الی آخر. و به همین ترتیب، عروج‌ها بی‌پایان‌اند.

ומ"ש אשר אעשרנו ב' עישורין היינו כי הכתר כלול מב' פרצופין עתיק וא"א כו' שהוא בחי' תחתונה שבמאציל ושרש הנאצלים כו' וב' בחי' אלו יחד נק' חומש כמ"ש ונתתם חמישית לפרעה כמ"ש במ"א):

و اینکه گفته شده است: «عشر خواهم داد، آن را عشر خواهم داد» – دو عشر – از آن روست که کתר از دو پیکربندی (פרצופין, partzufim)، یعنی کهن‌الایام (עתיק, Atik) و چهرهٔ دراز (אריך אנפין, Arich Anpin)، و غیره، تشکیل شده است؛ کתר پایین‌ترین مرتبه در مبدأ افاضه و ریشهٔ موجوداتِ صادرشده است و غیره. این دو مرتبه در کنار هم «یک‌پنجم» نامیده می‌شوند، چنان‌که آمده است: «و یک‌پنجم به فرعون بدهید»، چنان‌که در جای دیگر توضیح داده شده است.



دربارهٔ این نسخه

.the English translation و This edition contains the Hebrew text

The Hebrew text of Torah Ohr: © Kehot Publication Society, via Sefaria, CC BY-NC 4.0; formatting adapted.

.Our English translation, made from the Hebrew without Kehot's notes: CC BY-NC 4.0

This edition as a whole: CC BY-NC 4.0. Shuls, schools and non-profit projects may copy, print and share it freely, and may ask for donations to cover the cost of printing; it may never be sold. Credit Kehot Publication Society and likuteitorah.com. <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

ترجمه و شرح انگلیسی: با کمک هوش مصنوعی (openai/gpt-6-luna-pro:batch) برای likuteitorah.com تهیه شده و با متن عبری و سفاریا مقابله شده است؛ هنوز ویراستار انسانی آن را بازبینی نکرده است. لطفاً هر مطلب مهمی را با متن عبری مقابله کنید.

ربه خواست که ماماریم پارشای آن هفته، «پارشای حسیدی»، در همان هفته و در طول هفت روز آن آموخته شوند (Sichah of Shabbos Parshas Vayakhel 5725 · Toras Menachem vol. 42, pp. 306–309 /parsha). چرا آن را بیاموزیم و برکات ربه: likuteitorah.com/about/the-chassidishe-

پروژه‌ای رایگان و غیرتجاری؛ هیچ‌چیز در اینجا فروخته نمی‌شود. وابسته به Kehot, Sefaria یا کتابخانهٔ لوباوویچ نیست. © likuteitorah.com

از /likuteitorah.com/fa/torah-ohr/vayeitzei/2

تقدیم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربه، رب لیوی بیتسخاک